

آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره هفدهم، شماره ۱۹، بهار - تابستان ۱۳۹۹
نوع مقاله: علمی - پژوهشی (۲۷۳-۳۰۴)

جرمانگاری بین‌المللی زیست‌بوم‌زدایی*

- احمد نصر اصفهانی^۱
- لیلا رئیسی^۲
- علیرضا آرش‌پور^۳

چکیده

همگام با توسعه حقوق بین‌الملل در دو حوزه کیفری و محیط زیست، مفهوم زیست‌بوم‌زدایی / اکوساید / ژئوساید، نیز توسط اندیشمندان ابداع و به کار گرفته شد. این مفهوم که به تخریب و آسیب‌رسانی گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست توجه دارد، در چند دهه اخیر محور بحث‌ها و نظریه‌پردازی‌های گوناگون شده و در اساسنامه ICC به شکلی محدود به عنوان یکی از مصادیق جنایات جنگی مورد شناسایی قرار گرفته است. علاوه بر آن، اساسنامه دیوان این قابلیت را دارد که برخی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، ایران (a_nasresfahani@yahoo.com).
۲. دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) (raisi.leila@gmail.com).
۳. دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان (a.arashpour@ase.ui.ac.ir).

مصادیق زیست‌بوم‌زدایی را در قالب ابزار ارتکاب جنایت علیه بشریت یا نسل‌زدایی نیز شناسایی کند. با وجود این، به دلایلی از جمله ماهیت متفاوت جرایم زیست‌محیطی و عدم پوشش کامل مصادیق زیست‌بوم‌زدایی از سوی اساسنامه، ضرورت دارد که این مفهوم به عنوان یک جرم مستقل مورد شناسایی و جرم‌انگاری بین‌المللی قرار گیرد. این پژوهش با به کارگیری روش توصیفی - تحلیلی به دنبال توجیه چرایی این جرم‌انگاری و بیان دلایل ضرورت آن و بررسی چالش‌های پیش روی آن و ارائه راهکارهایی در این زمینه است. امروز می‌توان ادعا کرد که مقابله با زیست‌بوم‌زدایی، یکی از ارزش‌های بنیادین جهانی و یکی از تعهدات عام‌الشمول بین‌المللی است که جرم‌انگاری آن در سطح بین‌المللی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر شده است.

واژگان کلیدی: اکوساید، جرم‌انگاری بین‌المللی، جرم مستقل، حقوق بین‌المللی کیفری، آسیب زیست‌محیطی.

مقدمه

در سده‌های اخیر همگام با صنعتی شدن جوامع و پیشرفت فناوری‌ها و رشد و توسعه فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، دست‌اندازی‌های بشر در طبیعت نیز بیشتر گردید. علاوه بر آن جنگ‌ها و مناقشات داخلی و بین‌المللی نیز عاملی برای تخریب و نابودی زیست‌بوم‌ها و زیستگاه‌ها و منابع آبی و جنگل‌ها شدند. مجموعه این عوامل باعث شده‌اند تا امروزه حفاظت از طبیعت و محیط زیست به یکی از دغدغه‌های اصلی بشر تبدیل شود و ارزش‌ها و هنجارهای ویژه و نوینی برای حفاظت از آن پدیدار گردد و پاسداری و مراقبت از آن به عنوان یکی از ارزش‌های برتر جوامع انسانی متجلی شود (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۹۸). احترام به این ارزش برتر تا به جایی گسترش یافته که حمایت از آن، از سطح ملی و داخلی فراتر رفته و بسیاری از آلوده‌سازی‌های محیط زیست علاوه بر داشتن مسئولیت بین‌المللی مدنی (آرش‌پور، ۱۳۹۲: ۱۸ و ۴۱-۴۳) با لحاظ شرایطی، واجد جنبه کیفری نیز شناخته شده است.

با وجود این، از آنجایی که فرایند جرم‌انگاری در اختیار دولت‌ها قرار دارد و دولت‌ها از این فرایند معمولاً به عنوان ابزاری جهت تأمین منافع و پیگیری سیاست‌های مدّ نظر خود استفاده می‌کنند، این امر باعث شده تا جرم‌انگاری در حوزه آسیب‌های زیست‌محیطی آن گونه که لازم و بایسته است اتفاق نیفتد. دولت‌ها و گروه‌های

صاحب قدرت و شرکت‌های قدرتمند، اصلی‌ترین عامل تخریب محیط زیست و ایراد ضرر و آسیب به محیط زیست هستند. لیکن به خاطر آنکه اختیار جرم‌انگاری در دستان دولت‌ها قرار دارد و قوانین مربوطه توسط دولت‌ها وضع و تصویب می‌شوند و همچنین به خاطر نفوذ و ارتباطاتی که میان گروه‌های قدرت و ثروت به ویژه شرکت‌های چندملیتی با دولت‌ها وجود دارد، عملاً امکان جرم‌انگاری در حوزه آسیب‌های زیست‌محیطی بسیار محدود شده است (وایت، ۱۳۹۵: ۴۱-۴۳ و ۱۷۹). به همین خاطر در واکنش به این وضعیت، امروزه در جرم‌شناسی رویکردی انتقادی مطرح شده که تلاش می‌کند با فراتر رفتن از رویکرد قانون‌محور در جرم‌شناسی مرسوم، جرم زیست‌محیطی را به گونه‌ای دیگر تعریف کند (همان: ۴۴ و ۶۹-۷۰؛ گرجی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۰۸-۱۲۵). این رویکرد انتقادی که به آن جرم‌شناسی زیست‌محیطی یا سبز گفته می‌شود و در دسته گرایش‌های ذات‌باور در جرم‌شناسی قرار می‌گیرد^۱ به دنبال آن است که جرم زیست‌محیطی را نه در حصار تعاریف قانونی که همواره ابزاری در اختیار صاحبان قدرت و ثروت است، بلکه با فراتر رفتن از آن، با لحاظ مفهوم موسع ضرر و جایگزین کردن اصل منع اضرار به محیط زیست، به جای اصل قانونمندی جرم و مجازات، تعریف و شناسایی کند (وایت، ۱۳۹۵: ۶۶-۶۸؛ دانش‌ناری و مرادفر، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۷؛ گرجی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۲۵). نتیجه تلاش فعالان عرصه محیط زیست و حقوق بشر در سطح ملی و بین‌المللی و به ویژه رویکرد جرم‌شناسان انتقادی به مسئله جرایم زیست‌محیطی باعث شده تا برای مقابله با آسیب‌های زیست‌محیطی، جرمی بین‌المللی تحت نام «اکوساید»^۲ یا «زیست‌بوم‌زدایی» مطرح

۱. برای آشنایی با گرایش‌های ذات‌باور و نسبیّت‌باور ر.ک: گسن، ۱۳۷۹.

۲. از لحاظ ریشه لغوی، برخی واژه "ecocide" را حاصل ترکیب دو واژه "oikos" یونانی به معنای «خانه یا بوم» و "caedere" لاتین به معنای «تخریب یا کشتن» می‌دانند که معنای اصطلاحی آن «تخریب محل زندگی» است (Wijdekop, 2016). برخی دیگر معتقدند که این اصطلاح از روی واژه "genocide" شبیه‌سازی شده و معنای «کشتن محیط زیست» را می‌دهد (Smith, 2013: 60). در هر حال، این مفهوم حاصل ترکیب دو واژه "eco" به معنای بوم و "ide" به معنای تخریب و کشتن است که در زبان فارسی می‌توان واژه ترکیبی «زیست‌بوم‌زدایی» به معنای تخریب و نابودسازی اکوسیستم و محیط زیست را برای آن پیشنهاد کرد. البته برخی صاحب‌نظران در کنار اصطلاح اکوساید، اصطلاح "genocide" را نیز مطرح کرده‌اند (Berat, 1993: 343) که آن هم واژه‌ای شبیه‌سازی شده از روی genocide است و معنای تحت‌اللفظی آن، زمین‌زدایی یا زیستگاه‌زدایی است. اما از نظر مفهومی تقریباً معادل همان اکوساید یا زیست‌بوم‌زدایی است.

شود. در بین اندیشمندان حقوقی، مطرح‌ترین چهره‌هایی که در حوزه زیست‌بوم‌زدایی اقدام به نظریه‌پردازی کرده‌اند، لین بیرات،^۱ مارک آلن گری^۲ و پولی هیگینز^۳ هستند که با نوشتن مقالاتی، ابعاد مختلف حقوقی این قضیه را تشریح و ارزیابی کرده‌اند.^۴ بسیاری از سیاست‌گذاران جنایی نیز با تأثیر از یافته‌های جرم‌شناسی و با رویکردی حقوق بشرمحور تلاش می‌نمایند چنین جرمی در عرصه تقنینی یا قضایی^۵ شناسایی و رسمیت پیدا کند.^۶

اصطلاح اکوساید یا زیست‌بوم‌زدایی اولین بار در حدود سال ۱۹۷۰ در جریان جنگ ویتنام ابداع و به کارگیری شد (Zierler, 2011; Lay et al., 2015: 433). در این جنگ، ایالات متحده اقدام به استفاده از سموم علف‌کش در مقیاس وسیع کرده بود. نتیجه این اقدام، فاجعه‌بار بود و منجر به نابودی بخش وسیعی از پوشش گیاهی کشور ویتنام شد. نتیجه تحقیقات این موضوع را ثابت می‌کرد. این مسئله عاملی شد تا برای اولین بار اصطلاح اکوساید در جریان کنفرانس جنگ و مسئولیت بین‌المللی که در واشنگتن برگزار گردید، پیشنهاد شود (Ibid.). در سال ۱۹۷۳ نیز پروفسور ریچارد فالک^۷ که کارشناس حقوق بین‌الملل در زمینه جرایم جنگی بود، پیش‌نویس یک کنوانسیون بین‌المللی در زمینه جنایت اکوساید را منتشر کرد. وی در این پیش‌نویس با اشاره به نواقص موجود در کنوانسیون نسل‌زدایی (ژنوساید)، ضرورت وضع مقرراتی برای جرایم محیط زیستی را یادآور شد. با این حال این طرح، اکوساید را صرفاً در محدوده جرایم

1. Lynn Berat.

2. Mark Allan Gray.

3. Polly Higgins.

4. Berat, 1993; Allan Gray, 1995; Higgins, 2010.

۵. مقام‌های مسئول در سیاست جنایی، طیف وسیعی از قوای عمومی شامل قانون‌گذاران، مقامات اداری و مقامات قضایی اعم از مقامات دادسرا و دادگاه را در برمی‌گیرند (لواسور، ۱۳۷۱-۱۳۷۲: ۴۱۳-۴۲۱).

۶. برای مثال، تقاضای دادستان دیوان بین‌المللی کیفری برای صدور دستور بازداشت عمر البشیر رئیس‌جمهور سابق سودان را، که به واسطه تخریب لوازم حیات و آلوده‌سازی منابع آبی مردم دارفور به نسل‌زدایی متهم شده بود، می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. ر.ک:

ICC, Prosecutor v. Omar Al-Bashir, 4 March 2009; ICC, Prosecutor v. Omar Al-Bashir, 12 July 2010.

7. Richard A. Falk.

جنگی که به صورت عمدی رخ دهند، مورد توجه قرار می‌داد و مقرراتی برای زمان صلح نداشت (Gauger et al., 2012: 5-6؛ قلی‌پور و مهرا، ۱۳۹۹: ۵۷-۵۸). تلاش‌ها در این رابطه ادامه پیدا کرد تا اینکه کمیسیون حقوق بین‌الملل^۱ در دهه ۸۰ میلادی پیش‌نویس موادی را در زمینه جرایم علیه صلح و امنیت بشری، آماده و ارائه نمود. ماده ۲۶ این پیش‌نویس مقرر می‌کرد: هر فردی که عمداً دستور دهد یا باعث بروز آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی شود، به خاطر آن محکوم خواهد شد. البته این ماده در سال ۱۹۹۶ از طرح مذکور حذف شد (Ibid.: 9-10) و صرفاً اکوساید جنگی و آنچه در بستر مخاصمات مسلحانه واقع می‌شود، در ذیل ماده ۸ اساسنامه رم، مورد جرم‌انگاری قرار گرفت (قلی‌پور و مهرا، ۱۳۹۹: ۶۵-۷۱). با وجود این، دیوان این قابلیت را دارد تا با استناد به برخی مواد اساسنامه، بسیاری از تخریب‌کنندگان محیط زیست را در چارچوب اعمالی همچون «هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیر نظامی» یا «کاربرد سم و سلاح‌های سمی» یا «سایر گازها و سیالات و مواد و ابزار مشابه در جنگ» که می‌توانند مستقیم یا غیر مستقیم با تخریب و آلوده‌سازی هوا و آب و زمین همراه شوند، به عنوان جنایتکار جنگی تحت تعقیب قرار دهد. همچنین این توان و ظرفیت وجود دارد تا بتوان برخی از موارد نقض حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و یا تخریب گسترده آن را، اگر به قصد نابودسازی تمام یا بخشی از یک گروه قومی، نژادی، ملی، مذهبی صورت گیرد، طبق ماده ۶ و در قالب جرم نسل‌زدایی تحت تعقیب قرار داد. در قضیه عمر البشیر، یکی از اتهامات وی ایجاد عامدانه وضعیتی برای برخی گروه‌های دارفوری از طریق تخریب یا آلوده‌سازی منابع آبی و غذایی آن‌ها اعلام شده که این امر می‌توانسته به نابودی فیزیکی آن‌ها بینجامد. دادستان دیوان در تقاضای بازداشت وی تلاش کرد تخریب محیط زیست و آلوده‌سازی منابع آبی و لوازم حیات مردم دارفور را به عنوان یکی از عناصر اساسی تشکیل‌دهنده جرم نسل‌زدایی معرفی کند. هرچند که شعبه مقدماتی دیوان در سال ۲۰۰۹ به هنگام صدور قرار بازداشت عمر البشیر، اتهام نسل‌زدایی را نپذیرفت (ICC, Prosecutor v. Omar Al-Bashir, 2009: 93, 207)، اما

بعداً شعبه تجدیدنظر دیوان، دلایل دادستان را موجه و قابل قبول تشخیص داد و از شعبه مقدماتی خواست تا قرار بازداشت متهم را به اتهام نسل‌زدایی نیز صادر کند، که نهایتاً این قرار در سال ۲۰۱۰ صادر شد (ICC, Prosecutor v. Omar Al-Bashir, 2010: 32-40). تخریب محیط زیست را می‌توان در قالب جنایت علیه بشریت نیز مورد توجه قرار داد. در واقع از آنجا که نقض جدی حقوق بشر، عنصر محوری در تعریف جنایات علیه بشریت است (Pérez-León-Acevedo, 2017: 152) و در جریان زیست‌بوم‌زدایی هم نقض گسترده حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و مجموعه‌ای از حقوق بنیادین انسانی روی می‌دهد، لذا اگر آلوده‌سازی و تخریب محیط‌زیست عمداً و به قصد ایجاد رنج عظیم و صدمه شدید به جسم و روح افراد غیر نظامی صورت گیرد و این موضوع در جریان یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته واقع شده باشد، احتمالاً بتوان آن را از مصادیق «دیگر اعمال غیر انسانی» موضوع ماده ۷ اساسنامه دیوان تلقی کرده و به عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت تحت تعقیب قرار داد.

در تحقیقات و پژوهش‌هایی که تا کنون انجام شده، ابعاد مختلف جرایم زیست‌محیطی و جایگاه آن‌ها در اساسنامه ICC مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با وجود این، این پژوهش‌ها در زمینه توجیه جرایم جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی و یا دلایل ضرورت این جرم‌انگاری در قالب یک جرم مستقل بین‌المللی و بررسی چالش‌هایی که پیش روی آن قرار دارند، ساکت و یا ناقص و نارسا هستند. لذا نوآوری تحقیق حاضر نسبت به کتب و مقالاتی که تا کنون نگاشته شده‌اند، در این است که تلاش کرده ضمن کنکاش در منافع و ارزش‌های مورد حمایت در جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی، دلایلی که ضرورت جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی را به عنوان یک جرم مستقل بین‌المللی توجیه می‌نماید، بیان و سپس چالش‌هایی را که پیرامون چنین اقدامی مطرح می‌شوند، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

بر همین اساس این پژوهش به دنبال پاسخ به چندین پرسش است از جمله اینکه ضرورت جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی به عنوان یک جرم مستقل بین‌المللی چیست؟ چه منافع و مصالحی با جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی مورد حمایت قرار می‌گیرد؟ و چالش‌ها و مسائل و مشکلات احتمالی که این فرایند با آن‌ها روبه‌رو خواهد شد، چه هستند و راه

حل‌های پیشنهادی برای رفع آن‌ها چیست؟ در ادامه در دو بخش به این مسائل پرداخته خواهد شد.

۱. چرایی و ضرورت جرم‌انگاری بین‌المللی زیست‌بوم‌زدایی

یکی از اصول بنیادین در حقوق کیفری، اصل «کاربرد کمینه حقوق کیفری» یا «جرم‌انگاری کمینه‌ای» است که به موجب آن، توسل به حقوق کیفری و جرم‌انگاری یک عمل، تنها هنگامی مجاز است که امکان استفاده از راه حل‌ها و ضمانت‌اجراهای دیگر از قبیل ضمانت‌اجراهای مدنی یا اداری یا سیاسی فراهم نباشد و جرم‌انگاری، آخرین راه حل و چاره‌نهایی کار باشد. به تعبیر دیگر، قلمرو جرم‌انگاری باید محدود به مواردی باشد که منافع حیاتی و اساسی شهروندان و جامعه لطمه دیده است و راه دیگری جز حمایت کیفری از آن وجود نداشته باشد (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۹ و ۳۱؛ شمعی و شهباز، ۱۳۹۴: ۱۹؛ شمس‌ناتری و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷۱). اگر قانون‌گذار در زمان جرم‌انگاری، از محدوده منافع اساسی شهروندان و جامعه فراتر برود، نتیجه آن تورم کیفری و افزایش بدون جهت عناوین مجرمانه و تحدید حقوق بنیادین افراد و تحمیل هزینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خواهد بود (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۰). با وجود این، در رابطه با زیست‌بوم‌زدایی، سخن گفتن از اصل جرم‌انگاری کمینه‌ای یا کاربرد کمینه حقوق کیفری چندان اهمیتی ندارد؛ زیرا جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی علاوه بر کاهش آسیب‌ها و ضررهای زیست‌محیطی می‌تواند عاملی برای حمایت کامل‌تر از حقوق بشر و به طور خاص حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم باشد.

جرم‌انگاری به خودی خود با محدودسازی حقوق بشر و سلب و نقض آن در ارتباط است (شمس‌ناتری و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۸). از این رو دخالت در حقوق و آزادی‌های افراد و استفاده از قدرت برای محدودسازی آن‌ها، نیازمند توجیه چرایی آن است. به همین خاطر، جرم‌انگاری یا باید به منظور نفی و دفع «ضرر» انجام شود و یا به جهت حمایت از «ارزش‌های بنیادین جامعه» صورت گیرد (برهانی و رهبرپور، ۱۳۹۰: ۴۸-۵۲؛ گسن، ۱۳۷۹: ۶۴). حال پرسش این است که در جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی، کدام ضرر دفع می‌شود و یا کدامین ارزش‌ها پاس‌داشته می‌شوند؟

حقوق بنیادین بشر، نمونه بارز ارزش‌های بنیادین انسانی و در زمره تعهدات عام‌الشمول در جوامع امروزی است که احترام به آن و تضمین آن، از جمله تعهدات دولت‌ها و کلیه اعضای جامعه بین‌المللی است. تعهدات حقوق بشری انواع مختلفی از تعهدات، از عدم مداخله گرفته تا تعهدات ایجابی و حمایت‌گرایانه را در بر می‌گیرد. در این میان، یکی از اقسام تعهدات ایجابی که موجب حمایت مؤثرتر از حقوق بنیادین بشر می‌شود، تعهد به حمایت کیفری است. حتی تهدید به اقدامات کیفری هم عاملی بازدارنده در این حوزه است. در واقع همان‌طور که گفته شده، حمایت کیفری عنصر ضروری هر گونه سیاست جامع حقوق بشری است (تاموشات، ۱۳۹۸: ۴۳۷-۴۴۱).

از سوی دیگر بر اساس موازین حقوق بشر از جمله بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوق و آزادی‌های انسان را می‌توان به خاطر رعایت حقوق و آزادی‌های دیگران، مقتضیات اخلاقی، نظم عمومی، رفاه اجتماعی و امنیت عمومی، با محدودیت مواجه ساخت؛^۱ البته مشروط به آنکه این محدودسازی بر اساس قانون و در یک روند دموکراتیک ایجاد شده باشد.^۲ پس جرم‌انگاری اگر به خاطر رعایت حقوق شهروندان و یا رعایت نظم و امنیت باشد، مغایرتی با رعایت حقوق بشر ندارد (حکیمی نصرآبادی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۴، ۴۹-۵۰ و ۵۶-۵۸). در ادامه، ارزش‌ها و منافع اساسی که در جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی مورد حمایت هستند، بررسی و سپس دلایلی که وجود زیست‌بوم‌زدایی را به عنوان جرمی مستقل، لازم و ضروری می‌نمایند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۱-۱. ارزش‌ها و منافع مورد حمایت در جرم‌انگاری بین‌المللی زیست‌بوم‌زدایی

در حقوق کیفری همواره یک سلسله ارزش‌ها و منافع اساسی مورد حمایت هستند

۱. البته فرایند محدودسازی حقوق بشر، ناظر به حقوق غیر مطلق است. وگرنه حقوق مطلق مثل حق حیات، منع شکنجه، منع بردگی و چند نمونه دیگر را که در بند ۲ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی از آن‌ها یاد شده، نمی‌توان تحت هیچ شرایطی محدود یا معلق ساخت.

۲. ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون، منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.»

که جرم‌انگاری برای حمایت و صیانت از آن‌ها صورت می‌گیرد؛ مثلاً در جرم قتل، ارزش مورد حمایت، حیات انسان است یا در جرم سرقت، منفعت مورد حمایت، حق مالکیت و لوازم آن است (گسن، ۱۳۷۹: ۸۹-۹۰). در جرایم زیست‌محیطی و به ویژه در زیست‌بوم‌زدایی هم مجموعه‌ای از ارزش‌ها و منافع اساسی مورد توجه هستند که جرم‌انگاری برای حمایت از آن‌ها صورت می‌گیرد.

۱-۱-۱. طبیعت و محیط زیست به عنوان یک ارزش ذاتی

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که طبیعت و محیط زیست دارای ارزش ذاتی است و به صورت خودبنیاد و نه به خاطر منافعی که برای زندگی انسان دارد، ارزش حفاظت دارد. وقتی می‌گوییم چیزی ارزش ذاتی دارد، به این معناست که آن ارزش، وابسته به هدف یا موجود دیگری نیست، بلکه به خودی خود و مستقل از منافع و مضار آن ارزشمند است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۹۷-۲۰۰) و در نتیجه آزادی ما در بهره‌برداری از طبیعت، منوط به حفاظت از طبیعت و محیط زیست به عنوان یک ارزش بالذات است.

نظریه‌های مربوط به ارزش ذاتی طبیعت، امر جدیدی نیستند و می‌توان ریشه‌های آن را در باورهای برخی ملل قدیمی و آیین‌های کهن جستجو کرد. در مجموعه اسناد بین‌المللی موجود در حوزه محیط زیست نیز ردّ پای رویکرد معتقد به ارزش ذاتی طبیعت را مشاهده می‌کنیم که در کنار رویکرد ابزار و انسان‌محورانه، برای طبیعت ارزش و اعتبار ذاتی نیز قائل است؛ مثلاً در مقدمه کنوانسیون رامسر راجع به تالاب‌ها^۱ (۱۹۷۱) با بیان اینکه تالاب‌ها منابع غیر قابل جبران هستند، بر ارزش ذاتی این منابع تأکید شده است. یا در کنوانسیون سایتس^۲ (۱۹۷۳) با ذکر عبارت گونه‌های غیر قابل جایگزین، بر ارزش ذاتی این قبیل حیوانات و گیاهان تأکید شده است. در منشور جهانی طبیعت^۳ (۱۹۸۲) نیز ضمن اشاره به اینکه انسان پاره‌ای از طبیعت است و زندگی

1. The Ramsar Convention on Wetlands, 1971.
2. CITES (The Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora), 1973.
3. World Charter for Nature, 1982.

او وابسته به آن می‌باشد، طبیعت را به عنوان یک موجود دارای ارزش بالذات مورد توجه و احترام قرار داده است. در کنوانسیون تنوع زیستی^۱ (۱۹۹۲) نیز به ارزش ذاتی تنوع زیستی اشاره شده است.

جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی، ارزش ذاتی طبیعت را تحکیم و احترام هر چه بیشتر به مفهوم حقوق ذاتی طبیعت و شناسایی حقوق زیستی برای کلیه موجودات را به ارمغان می‌آورد. امروزه در بسیاری از اسناد بین‌المللی، آسیب‌رسانی گسترده، شدید و بلندمدت به محیط زیست ممنوع اعلام شده است. این ممنوعیت یکی از تعهدات عام‌الشمول زیست‌محیطی (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۴۹) و حتی یکی از قواعد آمره بین‌المللی است و این موضوع آن را به یکی از ارزش‌های مهم و اساسی مورد حمایت بین‌المللی تبدیل کرده است که برای جلوگیری از نقض آن، جرم‌انگاری آن امری واجب و لازم تلقی می‌شود.

۲-۱-۱. کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر

یکی دیگر از مواردی که در حقوق جزا و به ویژه در جرایم زیست‌محیطی به عنوان یک منفعت واجب و یک ارزش مهم مورد حمایت قرار گرفته، انسان و حقوق بنیادین اوست. انسان از آن جهت که انسان است، دارای احترام است و نیازهای انسانی و اجتماعی‌اش باید تأمین شده و محترم شمرده شود. حق‌های بشری ریشه در کرامت و منزلت ذاتی انسان دارند که اگر تأمین شوند، کرامت انسانی تأمین شده است (اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۳-۲۲). این حقوق مجموعه گسترده‌ای از حق‌های بشری را در بر می‌گیرند. حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم، حق حیات و حق بر سلامتی، از جمله این حقوق هستند که با جرایم زیست‌محیطی مورد خدشه و تجاوز قرار می‌گیرند.

نتیجه قطعی و محتوم زیست‌بوم‌زدایی، محروم شدن از محیط زیست سالم است. بهره‌مندی از محیط زیست سالم، از جمله حقوق انسانی است که در قالب نسل سوم یا به تعبیر بهتر نوع سوم حقوق بشر نمایان شده است. تخریب و آلوده‌سازی محیط زیست می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر تحقق حق بهره‌مندی از محیط زیست

1. The Convention on Biological Diversity - Rio, 1992.

سالم بر جای گذارد. همچنین امروزه تحلیلی وجود دارد که بهره‌مندی از محیط زیست سالم را صرف‌نظر از یک حق نسل سوم به برخی از حقوق نسل اول و دوم، همچون حق حیات، حق حفظ تمامیت جسمانی و روانی، حق دسترسی به بالاترین استاندارد قابل حصول بهداشتی، حق داشتن استانداردهای مناسب و کافی از زندگی شامل آب و غذای مناسب، حق برخورداری از اطلاعات زیست‌محیطی فرو می‌کاهد و به آن‌ها ارجاع می‌دهد؛ به این معنا که بهره‌مندی از محیط زیست سالم، از لوازم یا از نتایج پذیرش چنان حقوقی است (نصرافهانی و رئیسی، ۱۳۹۶: ۱۰۶-۸۹). دیوان اروپایی حقوق بشر از جمله مراجعی است که تلاش کرده با استفاده از روش «تفسیر پویا و تکاملی»^۱ آلودگی‌های غیر مجاز ناشی از انتشار ضایعات صنعتی و... را به نقض حقوقی از قبیل حق حیات، حق برخورداری از مسکن مناسب و حریم خصوصی یا حتی حق منع به کارگیری رفتارهای رنج‌آور و غیر انسانی گره بزند (همان: ۱۰۳-۹۹). بنابراین جرم‌انگاری افعال زیست‌بوم‌زدایانه به طور مستقیم به تضمین حقوق بنیادین بشر منجر خواهد شد.

۱-۱-۳. صلح و امنیت بین‌المللی

یکی از منافع مورد حمایت در جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی می‌تواند حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد. ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده شورای امنیت نهاده است (زیمبا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱/۷۳۲-۷۵۵). یکی از مواردی که امروزه در رویه شورای امنیت به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و از نتایج توسعه حقوق بین‌الملل در این حوزه است، گره خوردن نقض جدی حقوق بشردوستانه با تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. در همین رابطه، شورای امنیت در برخی قطعنامه‌های خود که بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد صادر کرده، نقض جدی حقوق بشردوستانه را به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی مورد اشاره قرار داده است؛ مثلاً در قطعنامه مربوط به تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳)، این شورا با اشاره به نقض جدی و گسترده حقوق بشردوستانه بین‌المللی در قلمرو یوگسلاوی

1. Dynamic and evolutionary interpretation.

سابق، تصمیم گرفت برای پیگرد قضایی افرادی که مسئول نقض جدی این حقوق در خاک یوگسلاوی بوده‌اند، یک دیوان بین‌المللی تأسیس شود^۱ و یا در قطعنامه مربوط به تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا (۱۹۹۴) نیز پس از اشاره به موارد نقض جدی و گسترده حقوق بشردوستانه و یادآوری اینکه که ادامه این وضعیت، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است، دستور تأسیس دیوانی را به منظور تحت تعقیب قرار دادن افراد متهم به نسل‌زدایی و دیگر موارد نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در قلمرو کشور رواندا و یا توسط شهروندان رواندایی روی داده، صادر کرد.^۲ در سال ۲۰۰۵ نیز این شورا در قطعنامه ارجاع وضعیت دارفور به دیوان بین‌المللی کیفری با اشاره به گزارش کمیته بین‌المللی تحقیق در مورد نقض مقررات بین‌المللی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در دارفور و تأکید بر اینکه وضعیت در سودان همچنان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است (راعی، ۱۳۹۳: ۲۸۶-۳۲۳)، تصمیم گرفت که وضعیت دارفور به دیوان ارجاع شود.^۳

در جریان زیست‌بوم‌زدایی، حقوق بشر به صورت جدی و گسترده مورد نقض قرار می‌گیرد. همچنین یکی از قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ممنوعیت آسیب‌های گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی در جریان مخاصمات مسلحانه است. علاوه بر آن‌ها به دلیل آثار و ابعاد فرامرزی آلودگی‌های زیست‌محیطی، بسیاری از تعهدات عام‌الشمول بین‌المللی یا اصول و رویه‌های زیست‌محیطی همچون منع آسیب فرامرزی هم نقض می‌شوند، که همه این‌ها می‌توانند به خودی خود موجب برهم خوردن صلح و امنیت بین‌المللی گردند. از این رو در صورت وقوع یک زیست‌بوم‌زدایی می‌توان بالقوه از تهدید شدن صلح و امنیت بین‌المللی سخن به میان آورد؛ در حالی که با جرم‌انگاری آن می‌توان به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یاری رساند.

۲-۱. ضرورت مستقل بودن جرم زیست‌بوم‌زدایی از سایر عناوین مجرمانه

امروزه حقوق بین‌الملل، زیست‌بوم‌زدایی را به شکلی محدود و صرفاً در قالب یک

1. S/RES/808, 1993 & S/RES/827, 1993.

2. S/RES/955, 1994.

3. S/RES/1593, 2005.

جنایت جنگی به رسمیت شناخته است. برخی دیگر از اقسام زیست‌بوم‌زدایی نیز قابلیت آن را دارند که در قالب وسیله و مقدمه‌ای برای تحقق برخی دیگر از جرایم بین‌المللی از قبیل جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی مورد توجه و رسیدگی قرار گیرند. با وجود این، این میزان اندک حمایت کیفری از محیط زیست نه تنها کافی نیست، بلکه برعکس بی‌اهمیت بودن و بی‌ارزش تلقی شدن محیط زیست و طبیعت را فرایاد می‌آورد. این در حالی است که فعالیت‌ها و اعمال زیست‌بوم‌زدایانه از یک سو کل جامعه بین‌المللی را متأثر می‌کند و قربانی آن، کل بشریت، گیاهان و گونه‌های مختلف جانوری است، و از سوی دیگر مواجهه و برخورد با آن، نیازمند همکاری تمامی اعضای جامعه بین‌المللی است و می‌دانیم که این دو ویژگی، شرط بین‌المللی تلقی شدن یک جرم است (شبت، ۱۳۸۴: ۳۸). از این رو بر اساس دلایلی که در ادامه ذکر می‌شود، ضرورت دارد تا زیست‌بوم‌زدایی نه در قالب سایر جرایم، بلکه به عنوان یک جرم مستقل شناسایی و در دستور کار مراجع بین‌المللی قرار گیرد.

اما چرا جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی به عنوان یک جرم مستقل بین‌المللی، امری ضروری است. دلایل آن را می‌توان در چند بند توضیح داد.

۱-۲-۱. حجم رو به رشد آسیب‌های زیست‌محیطی و آثار طولانی‌مدت آن‌ها

امروزه به لحاظ گسترش اکتشافات و استخراج و بهره‌برداری از معادن در خشکی و دریا و همچنین به لحاظ توسعه صنعت کشاورزی و لزوم سدسازی و کنترل آب‌ها، همچنین به لحاظ توسعه صنایع و تولید محصولات پتروشیمی و تولید موادی بر اثر اصلاح ژنتیکی و امثال آن‌ها، حجم بسیار گسترده و رو به افزایشی از تخریب‌های زیست‌محیطی و آلوده‌سازی هوا و خاک و آب را در مناطق مختلف جهان مشاهده می‌کنیم. تخریب‌ها و آلوده‌سازی‌های زیست‌محیطی بر بسیاری از امور مرتبط با زندگی فردی یا اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارند؛ مثلاً تغییرات اقلیمی که حاصل برخی از فعالیت‌های زیست‌بوم‌زدایانه است، بر منابع آب، سلامتی، تنوع زیستی و مسائل امنیتی و اجتماعی و کشاورزی و اقتصاد و بسیاری امور دیگر، تأثیرات قابل توجهی بر جای می‌گذارد (فرج‌زاده، ۱۳۹۸: ۶۱-۴۳۲). این قبیل فعالیت‌های زیست‌بوم‌زدایانه اغلب به دلیل

استفاده از تجهیزات و فناوری‌های جدید، تأثیرات ویرانگر و جبران‌ناپذیری بر روی طبیعت و محیط زیست باقی می‌گذارند که متأسفانه تا سال‌ها، بسیاری از آثار و نتایج آن نامعلوم باقی می‌مانند. بعد از فاجعه اتمی نیروگاه چرنوبیل در اوکراین، اعلام شد که جریان باد، آلودگی هسته‌ای را به مناطق دیگری از اروپا گسترش داده است. بر اساس تحقیقاتی که چندی پیش در آلمان انجام شد، مشخص شد که ۳۲ سال بعد از فاجعه چرنوبیل هنوز در آلمان آلودگی رادیواکتیو وجود دارد و در قارچ‌های وحشی در ایالت بایرن در جنوب آلمان، میزان بالایی از عنصر رادیواکتیو سزیوم ۱۳۷ قابل مشاهده است.^۱ یکی دیگر از موارد قابل اشاره در این خصوص، تولید و مصرف محصولات تراریخته^۲ است که به خاطر پیامدهای ناشناخته و تأثیر آن‌ها بر تنوع ژنتیکی گیاهان و جانوران و آثار منفی احتمالی دیگر بر حیات و سلامت موجودات، به عنوان شکل جدیدی از آسیب‌های زیست‌محیطی مورد توجه جرم‌شناسان زیست‌محیطی قرار گرفته است (چاه‌آبی و گرچی‌فرد، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۹).

علاوه بر جنبه‌های ناشناخته و بلندمدت، امروزه برخی از این آسیب‌ها، نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. پدیده آسیب‌های فرانسلی^۳ که در حقوق بین‌الملل کیفری مطرح شده است (ICC, The Prosecutor v. Germain Katanga, 2017)، می‌تواند در خصوص آسیب‌های ناشی از زیست‌بوم‌زدایی نیز تعمیم یافته و به کار گرفته شود.

۲-۲-۱. ماهیت متفاوت جرایم زیست‌محیطی

محیط زیست قلمرو گسترده‌ای را شامل می‌شود و مسائل مختلفی از آب و هوا و خاک و معادن و جنگل‌ها و دریاها و... را در بر می‌گیرد. این باعث می‌شود تا جرایم ارتكابی در خصوص آن نیز از تنوع و البته ماهیت متفاوتی نسبت به سایر جرایم برخوردار باشد. این ماهیت متفاوت، هم از جهت عناصر لازم برای تحقق این قبیل جرایم و هم از جهت قربانی و بزه‌دیده آن‌ها قابل توجه است. اگر برای مثال در جرایم جنگی یا جنایات علیه بشریت، بزه‌دیده و مجنی‌علیه معمولاً افراد مشخص انسانی

۱. به نقل از خبرگزاری دویچه‌وله فارسی، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۸، قابل دسترس در: <<http://p.dw.com/p/36jd7>>.

2. Genetically modified products.

3. Transgenerational harms.

هستند، در جرایم زیست‌محیطی، بزه‌دیده و مجنی‌علیه در قدم اول خود طبیعت و محیط زیست است و افراد انسانی غیر مستقیم و باواسطه، قربانی این جرایم تلقی خواهند شد (نجفی اسفاد و جلالیان، ۱۳۹۱: ۲۱۲-۲۱۶). بزه‌دیدگان انسانی نیز شامل نسل‌های حال و آینده هستند که بر اثر پیامدهای ناشی از تغییرات شیمیایی و فیزیکی و میکروبیولوژیکی و روان‌شناختی آسیب دیده یا خواهند دید (وایت، ۱۳۹۵: ۲۰۹ و ۲۱۳). همین امر باعث می‌شود تا کشف و بررسی میزان آسیب‌های وارده، نوع آسیب‌ها و آثار آن‌ها، نیازمند بهره‌گیری از متخصصان زیست‌شناسی، پزشکی و علوم مرتبط با آن‌ها شود و تحقیقات علمی، نقش برجسته‌تری نسبت به تحلیل‌های حقوقی صرف در این خصوص داشته باشد. از طرف دیگر، عناصر و ارکان تحقق چنین جرایمی نیز با ارکان و عناصر تحقق جرایم بین‌المللی دیگر، تفاوت‌های عمده‌ای دارد که اقتضا می‌کند به جرایم زیست‌محیطی به شکلی متفاوت نگریسته شود.

۳-۲-۱. واکنش مناسب در قبال نقض جدی حقوق بشر

همان‌طور که گفته شد، حمایت از انسان و حقوق بنیادین او یکی از ارزش‌ها و منفعت‌های اساسی و حیاتی در جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی است. در جریان زیست‌بوم‌زدایی از یک سو نقض جدی حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم رخ می‌دهد و از سوی دیگر همراه با زیست‌بوم‌زدایی، مجموعه‌ای از حقوق بنیادین انسانی همچون حق حیات، حق بهره‌مندی از بهداشت و سلامتی، حق بر هوای پاک یا حق برخورداری از آب سالم، مورد نقض جدی و گسترده قرار می‌گیرند (نصراصفهانی و رئیس، ۱۳۹۶: ۸۹-۱۰۶). در واقع نقض حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم در همپوشانی با حقوق نسل اول و دوم، زیست‌بوم‌زدایی و جرایم زیست‌محیطی را متبلور می‌سازند (Lay et al., 2015: 439-440; Sheth, 2016: 3-4). برخی از این نقض‌ها بسیار گسترده و فاحش هستند و جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی صرفاً در قالب محدود یک جنایت جنگی یا در قالب وسیله ارتکاب برخی جنایات دیگر، به هیچ عنوان واکنش مناسب و درخوری برای نقض‌های گسترده‌ای که رخ می‌دهد، نیست. صرف اعلام نقض تعهد از سوی مراجع قضایی یا شبه قضایی یا محکومیت از سوی مراجع سیاسی بین‌المللی نیز

به هیچ عنوان کافی برای حمایت از شأن و کرامت انسانی و تضمین حقوق بنیادین او نیست. لازم است تا همانند نسل زدایی، ارتکاب زیست‌بوم‌زدایی نیز به دلیل آنکه موجب نقض گسترده و جدی حقوق بشر می‌گردد، به عنوان یک جرم مستقل مورد توجه و شناسایی بین‌المللی قرار گیرد. جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی موجب پیشگیری از نقض حقوق بشر و یا دادن پاسخ مناسب به نقض‌های جدی حقوق بشر خواهد شد.

۴-۲-۱. عدم پوشش کامل اساسنامه رم نسبت به همه مصادیق زیست‌بوم‌زدایی

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در ماده ۸ خود، زیست‌بوم‌زدایی را صرفاً در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، آن هم مشروط بر آنکه در قالب یک حمله عمدی و با علم به حمله رخ داده باشد و ضرورت‌های نظامی نیز آن را توجیه نکند، به عنوان یکی از مصادیق جنایت جنگی مورد شناسایی قرار داده است (Dörmann, 2003: 161, 169). این در حالی است که بسیاری از رفتارهای زیست‌بوم‌زدایانه در زمان صلح یا در زمان مخاصمات مسلحانه داخلی که از قضا امروزه نوع قالب مخاصمات مسلحانه است، رخ می‌دهد و همان آسیب‌ها و آثار و نتایج می‌تواند در زمان مخاصمات مسلحانه داخلی هم به وجود آید. علاوه بر این، همان خسارت‌ها و آسیب‌ها و آثار و نتایج می‌تواند در شرایط غیر جنگی و در زمان صلح نیز از سوی دولت‌ها، سازمان‌ها یا شرکت‌های خصوصی پدید آید. هیچ تمایز معقول و قابل قبولی نمی‌توان میان آسیب‌های زیست‌محیطی زمان مخاصمه مسلحانه بین‌المللی با آسیب‌های زیست‌محیطی زمان مخاصمات مسلحانه داخلی یا زمان صلح مشاهده کرد. با این حال، اساسنامه رم این قبیل اعمال زیست‌بوم‌زدایانه را تحت پوشش خود قرار نمی‌دهد. به همین خاطر ضروری است تا برای پوشش کامل‌تر زیست‌بوم‌زدایی، جرم‌انگاری آن به عنوان یک جرم مستقل در دستور کار بین‌المللی قرار گیرد.

۲. چالش‌های پیش رو در جرم‌انگاری بین‌المللی زیست‌بوم‌زدایی

در فرایند جرم‌انگاری به صرف توجیه چرایی و بیان دلایل ضرورت آن، جرم‌انگاری محقق نمی‌شود، بلکه در عمل، مسائل و مشکلات و چالش‌هایی وجود دارند که پیش

از جرم‌انگاری یا همزمان با آن باید بدان‌ها پاسخ داده شود. در ادامه، چند چالش اصلی پیش رو در فرایند جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲. مقاومت دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ چندملیتی در برابر جرم‌انگاری

جرایم زیست‌محیطی ممکن است توسط اشخاص مختلفی اعم از حقیقی یا حقوقی ارتکاب یابند. اما عمده این جرایم توسط دولت‌ها و شرکت‌های قدرتمند چندملیتی روی می‌دهند (وایت، ۱۳۹۵: ۱۸۶ و ۱۹۹-۲۰۲). در واقع بزه‌کاران و مرتکبان جرایم زیست‌محیطی به ویژه جرایم فرامرزی، یا دولت‌ها هستند که اختیار جرم‌انگاری را در داخل کشورهای خود به دست دارند، یا اشخاص و سازمان‌های صاحب نفوذ و شرکت‌های قدرتمندی هستند که با تأثیرگذاری بر نهادهای قانون‌گذاری و قضایی، امکان جرم‌انگاری اعمال و رفتارهای خود را به حداقل رسانده و یا در صورت جرم‌انگاری، به شکلی از شدت مجازات قانونی خواهند گریخت (دانش‌ناری، ۱۳۹۲: ۶۹-۷۱). علاوه بر این، یکی دیگر از اتفاقاتی که معمولاً در این حوزه رخ می‌دهد، تبانی و همکاری دولت‌ها با برخی از گروه‌ها و شرکت‌های صاحب قدرت و ثروت در ارتکاب این قبیل جرایم است (وایت، ۱۳۹۵: ۲۰۰). در واکنش به این وضعیت، امروزه بسیاری از جرم‌شناسان زیست‌محیطی معتقدند به دلیل آنکه دولت‌ها و گروه‌ها و شرکت‌های صاحب قدرت، عامل اصلی آسیب‌های زیست‌محیطی هستند و از آنجایی که فرایند جرم‌انگاری نیز در اختیار خود دولت‌ها قرار دارد، باید برای تعریف جرم زیست‌محیطی و جرم‌انگاری در این حیطه، طرح دیگری درانداخت و با رها کردن اصل قانونی بودن جرم و مجازات، جرم زیست‌محیطی را با لحاظ مفهوم موسع ضرر توجیه و تبیین کرد (همان: ۴۱-۴۳، ۷۱-۷۳ و ۲۵۰-۲۵۲؛ دانش‌ناری و مرادفر، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۷؛ گرجی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۲۵). به اعتقاد ایشان، هر گونه ضرر زیست‌محیطی حتی اگر به صورت قانونی وارد شده باشد، نیز جرم است (وایت، ۱۳۹۵: ۴۱)؛ مثلاً قطع درختان قدیمی حتی اگر با مجوز قانونی هم صورت گیرد، به اعتقاد ایشان نوعی ضرر به محیط زیست بوده (همان: ۶۶-۶۸) و در نتیجه جرم تلقی خواهد شد. البته راهکار این گروه صرفاً تا جایی که جنبه ترغیبی و تبلیغی داشته باشد و باعث به صدا درآمدن زنگ خطر برای نهادهای

عدالت در جهان شود، پذیرفتنی است. در غیر این صورت، خود عاملی جهت نقض حقوق بشر به ویژه نقض حق بر دادرسی عادلانه خواهد شد. ضمن اینکه هرج و مرج قضایی احتمالی را که در پی آن به وجود خواهد آمد، نباید از نظر دور داشت. به همین خاطر، راهکار درست برای جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی به ویژه زیست‌بوم‌زدایی، نه در جایگزین کردن اصل منع اضرار به محیط زیست به جای اصل قانونمندی جرم و مجازات، بلکه در خروج فرایند جرم‌انگاری و قضاوت از اختیار دولت‌ها به عنوان ابزاری جهت تأمین منافع سیاسی و اقتصادی آنهاست. در سطح بین‌المللی نیز این مقاومت و مخالفت دولت‌ها در مقابل جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی مشاهده می‌شود؛ مثلاً در جریان تدوین پیش‌نویس مواد راجع به «جرایم علیه صلح و امنیت بشری»، در کمیسیون حقوق بین‌الملل، ماده ۲۶ این پیش‌نویس که مقرر می‌کرد: «هر فردی که عمداً دستور دهد یا باعث بروز آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست طبیعی شود، به خاطر آن محکوم خواهد شد»، به دلیل مخالفت و فشار چند کشور بزرگ، توسط رئیس کمیسیون با تصمیم یک‌جانبه و بدون رأی‌گیری، از کل پیش‌نویس حذف گردید (Gauger et al., 2012: 9-10).

با این حال، اعضای جامعه بین‌المللی صرفاً دولت‌ها نیستند و سازمان‌های بین‌المللی اعم از دولتی، غیر دولتی و حتی اشخاص حقیقی و گروه‌ها نیز در روند توسعه حقوق بین‌الملل و ایجاد قواعد و مقررات بین‌المللی، نقش ایفا می‌کنند. فعالیت سازمان‌های بین‌المللی و فشار فعالان حقوق بشر و حامیان محیط زیست برای جرم‌انگاری اکوساید و ایجاد دادگاهی بین‌المللی برای تعقیب و محاکمه بزهکاران زیست‌بوم‌زدایی، چنین امری را محقق خواهد نمود و مقاومت دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ چندملیتی را در هم خواهد شکست.

۲-۲. لزوم پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی و دولت‌ها

مرتکبان زیست‌بوم‌زدایی، طیف وسیعی از عاملان و آمران اعم از اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی را در بر می‌گیرند. در خصوص مسئولیت اشخاص حقیقی، امروزه حقوق بین‌الملل کیفری، دو مبنای مسئولیت برای ایشان پذیرفته است؛ یکی مسئولیت

کیفری بابت اعمالی که افراد رأساً و شخصاً چه به صورت مباشرت و چه به صورت مشارکت یا معاونت انجام می‌دهند، و دیگری مسئولیت کیفری افراد بابت اعمالی که زبردستان و افراد تحت امر آنها مرتکب می‌شوند. این نوع اخیر، تحت عنوان مسئولیت مافوق یا مسئولیت فرمانده نیز نام‌گذاری شده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳؛ نیز: نژندی‌منش، ۱۳۹۴).

چالش اصلی اما در پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی به ویژه دولت‌ها در سطح بین‌المللی است. همان‌طور که گفته شد، عمده جرایم زیست‌محیطی توسط دولت و بخش‌های دولتی و عمومی و شرکت‌های تجاری بزرگ ارتکاب می‌یابد و در واقع مهم‌ترین آلوده‌کننده محیط زیست، خود دولت و شرکت‌های بزرگ هستند (وایت، ۱۳۹۵: ۱۹۹-۲۰۲؛ گرجی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۷۹). آلودگی‌های ناشی از صنعت نفت و گاز و آلودگی‌های ناشی از کارخانه‌ها و گارگاه‌ها و نیروگاه‌های دولتی و آلودگی‌های ناشی از تولید بنزین‌های بنزن‌دار، از جمله این مواردند (حاجی‌وند و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۹-۷۱). دولت‌ها به خاطر ضرورت توسعه اقتصادی و اجتماعی در زمان صلح و همچنین ضرورت‌های دفاعی و نظامی در زمان درگیری‌های نظامی، همواره با محیط زیست در جدال و پیکار هستند. هرچند امروزه دولت‌ها در قالب مفهوم توسعه پایدار، موظف به رعایت ملاحظات زیست‌محیطی و ارزیابی پیامدهای طرح‌های توسعه‌ای خود می‌باشند و یا در چارچوب مقررات حقوق بشر دوستانه، مکلف به حفاظت از محیط زیست طبیعی در جریان مداخلات مسلحانه هستند، اما عدم شناسایی مسئولیت کیفری برای خود دولت‌ها، آن‌ها را در عمل به صورت نهادی غیر پاسخ‌گو درآورده که هیچ ضرورتی به رعایت اصول و رویه‌های زیست‌محیطی از جمله اصل احتیاط و پیشگیری و یا اصل ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی در اجرای اقدامات خود نمی‌بینند.

در بحث مسئولیت کیفری دولت‌ها، دولت در معنای عام آن و به عنوان یک شخص حقوقی که دارای شخصیت حقوقی مستقل از کارکنان و مقامات آن است، مدنظر است؛ به نحوی که حتی محاکمه و مجازات کارکنان و مقامات آن هم موجب سلب مسئولیت از خود دولت نخواهد شد (عبداللهی، ۱۳۸۲: ۵۴-۵۷؛ باقرزاده، ۱۳۷۹: ۴۳-۴۵). البته بر خلاف بحث مسئولیت مدنی، فعلاً هیچ رویه قضایی و کنوانسیون جهانی یا

منطقه‌ای در زمینه پذیرش مسئولیت کیفری برای دولت‌ها وجود ندارد. تنها جایی که مبحث مسئولیت کیفری دولت‌ها در آن مطرح شده بود، ماده ۱۹ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها بود که در سال ۱۹۷۶ به این طرح اضافه شد و نهایتاً پس از گزارش مخبر کمیسیون، از طرح نهایی حذف شد. در این ماده اعلام شده بود:

«اگر رعایت یک تعهد بین‌المللی برای صیانت از منافع جامعه بین‌المللی آن‌چنان ضروری باشد که جامعه بین‌المللی در کلیت خود، نقض آن را به عنوان یک جنایت شناسایی کرده باشد، چنین نقضی جنایت بین‌المللی محسوب می‌شود».

در بندهای دیگر این ماده هم اعلام شده بود که این جنایت می‌تواند از نقض شدید تعهدات بین‌المللی که برای حفاظت از محیط زیست انسانی یا حمایت از بشریت یا حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارای اهمیت اساسی هستند، ناشی شده باشد (اسپیندی، ۱۳۸۵: ۲۷۷-۲۷۸؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳: ۱۹۱-۱۹۵؛ عبداللهی، ۱۳۸۲: ۵۱-۵۴). بر این اساس با توجه به اینکه زیست‌بوم‌زدایی موجب نقض شدید تعهدات دولت‌ها در حوزه محیط زیست می‌شود و این قبیل تعهدات در زمره تعهداتی هستند که واجد اهمیت اساسی برای جامعه بین‌المللی‌اند و همین‌طور به لحاظ نقش ویژه‌ای که اشخاص حقوقی به‌ویژه دولت‌ها یا شرکت‌های بزرگ در ارتکاب زیست‌بوم‌زدایی بازی می‌کنند و امکان مخفی شدن آن‌ها پشت شخص یا اشخاص حقیقی به لحاظ تبانی با آن‌ها وجود دارد، همچنین به لحاظ آنکه جبران بسیاری از آسیب‌های وارده از جانب اشخاص حقیقی به خاطر هزینه‌های بالا و ناتوانی این اشخاص امکان‌پذیر نیست، ضروری است تا برای اشخاص حقوقی نیز به خاطر ارتکاب زیست‌بوم‌زدایی قائل به مسئولیت کیفری شد. البته در شناسایی چنین مسئولیتی برای اشخاص حقوقی و مقصر تلقی کردن آن‌ها، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی قائل به مسئولیت نیابتی و غیر مستقیم برای شخص حقوقی هستند و برخی دیگر وفق نظریه همانندسازی، معتقد به مسئولیت مستقیم شخص حقوقی به خاطر تقصیر مدیران ارشد آن هستند (شریفی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۳-۶۰). با این حال به دلیل ناتوانی و نارسایی نظریه‌های فوق در توجیه مسئولیت برای اشخاص حقوقی، امروزه نظریه دیگری شکل گرفته که قائل به تقصیر جمعی است و تحت عنوان نظریه مسئولیت سازمانی، مسئولیت شخص حقوقی را نه در تقصیر یک

فرد خاص مثل مدیرعامل، بلکه در عملکرد سازمانی آن شخص حقوقی جستجو می‌کند (همان: ۷۹-۷۳). این مبنا برای مسئولیت شخص حقوقی به ویژه اشخاص حقوقی بزرگ، تحولی در بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به وجود می‌آورد و بر همین اساس، تسری دادن مسئولیت کیفری زیست‌بوم‌زدایی به اشخاص حقوقی، امکان محاکمه شرکت‌های بزرگ و حتی بسیاری از سازمان‌ها و دولت‌ها را فراهم می‌آورد. با این حال جامعه بین‌المللی هنوز از آمادگی لازم برای پذیرش و به کارگیری نظریه مسئولیت کیفری دولت برخوردار نیست. هرچند به نظر می‌رسد روند توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل به سمتی است که می‌توان به فراهم شدن شرایط و رفع موانع در آینده امیدوار بود.

۲-۳. ابهام در تعریف دقیق عناصر سازنده رکن مادی زیست‌بوم‌زدایی

در ارائه تعریف از رکن مادی زیست‌بوم‌زدایی، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. برخی مثل «یان بیرات» آن را مانند نسل‌زدایی (ژنوساید) به معنای تخریب عامدانه تمام یا بخشی از زیست‌بوم جهانی می‌دانند که از این طرق حاصل می‌شود: ۱. کشتار اعضای یک گونه؛ ۲. وارد کردن آسیب جدی جسمی یا روحی به اعضای یک گونه؛ ۳. ایجاد شرایطی برای حیات یک گونه که موجب نابودی جسمی آن گونه کلاً یا جزئاً شود؛ ۴. تحمیل شرایطی که مانع زاد و ولد شده یا باعث تولدهای ناقص در آن گونه گردد (Berat, 1993: 343). برخی نیز همچون خانم «پولی هیگینز» آن را به معنای آسیب گسترده به زیست‌بوم یا تخریب یا از دست دادن زیست‌بوم یک سرزمین توسط عوامل انسانی یا عوامل دیگر می‌دانند، به نحوی که بهره‌مندی مسالمت‌آمیز از آن سرزمین توسط ساکنانش به شدت کاهش یابد (Higgins, 2010: 64). برخی نیز همچون «مارک آلن گری» زیست‌بوم‌زدایی را نقض عمدی یا غیر عمدی حقوق بنیادین بشر از راه ورود «آسیب»^۱ به محیط زیست می‌دانند، به نحوی که این آسیب، جدی و گسترده و بلندمدت و دارای پیامدهای بین‌المللی و زیانبار باشد (Allan Gray, 1995: 216-219). از مجموع تعاریف فوق، قدر متیقن می‌توان محور اصلی در رکن مادی زیست‌بوم‌زدایی

را آسیب‌رسانی گسترده، بلندمدت و شدید به تمام یا بخشی از محیط زیست دانست، به نحوی که موجب محرومیت از بهره‌مندی از محیط زیست سالم شود. این با تعریفی که کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۲۶ پیش‌نویس طرح مواد راجع به صلح و امنیت بشری از جرم محیط زیستی ارائه کرده بود و همچنین با عبارتی که در پاراگراف ۳ ماده ۳۵ و همچنین ماده ۵۵ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو آمده، نیز انطباق دارد. در آن مواد، آسیب‌های گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی ممنوع اعلام شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی ۱۹۹۶ خود در خصوص کاربرد سلاح هسته‌ای نیز این موضوع را مورد اشاره قرار داده است.^۱ ماده ۱ کنوانسیون منع به کارگیری نظامی یا خصمانه فنون تغییر محیط زیست^۲ مصوب ۱۹۷۶ نیز از دولت‌های عضو می‌خواهد تا از کاربرد نظامی شیوه‌های تغییر محیط زیست که دارای آثار گسترده، بلندمدت یا شدید می‌باشد به عنوان ابزاری برای نابودسازی، آسیب‌رسانی یا ایراد صدمه به هر دولت عضو دیگر خودداری نمایند. ماده ۸ (۲-ب-۴) اساسنامه رم نیز آسیب شدید، بلندمدت و گسترده به محیط زیست را به عنوان رکن اساسی یکی از مصادیق جنایت جنگی بیان کرده است. با این حال، ابهامات در خصوص معنای دقیق این مفاهیم و اینکه آیا مجموع این سه وصف با هم، سازنده یک زیست‌بوم‌زدایی هستند و یا هر کدام به تنهایی می‌تواند یک زیست‌بوم‌زدایی را محقق کند، همچنان باقی است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۴۹-۵۴۳)، که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

به کارگیری این اوصاف برای آسیب زیست‌محیطی، یک دلیل مشخص دارد و آن اینکه تهیه‌کنندگان آن اسناد خواسته‌اند این نوع آسیب‌ها را از انواع دیگری که زودگذر و بی‌اثر یا کم‌اثر به شمار می‌روند، جدا ساخته و متمایز نمایند. بر همین مبنا برای ارائه تعریفی از زیست‌بوم‌زدایی به عنوان یک جرم بین‌المللی می‌توان بخشی از عنصر مادی آن را وجود آسیب‌های زیست‌محیطی گسترده، بلندمدت و شدید در نظر گرفت. این

1. ICJ, legality of the threat or use of NUCLEAR WEAPONS, 1996.

2. UN Documents, Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques, 1976.

قبیل آسیب‌ها به طور خودکار باعث محروم شدن افراد از یک محیط زیست سالم می‌شوند. بر این اساس، عنصر مادی زیست‌بوم‌زدایی به عنوان یک جرم مستقل را می‌توان این گونه تعریف کرد: «محروم‌سازی از محیط زیست سالم از طریق ایراد آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست و یا عدم پیشگیری از ورود این قبیل آسیب‌ها». در ادامه، نکات مطرح در تعریف فوق مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند.

۲-۳-۱. گسترده^۱

آسیب زیست‌محیطی^۲ باید گسترده باشد. واژه گسترده که مترادف با واژگانی همچون پهناور و وسیع و فراگیر است، در اساسنامه رم یا در پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو تعریف نشده، اما برخی تفسیرهای مراجع بین‌المللی تا حدودی از آن رفع ابهام نموده است. به اعتقاد کمیسیون حقوق بین‌الملل، واژه «گسترده» به اندازه و مقیاس آن منطقه جغرافیایی که بر اثر آن آسیب تحت تأثیر قرار گرفته، اشاره دارد (ILC, 1991: 107). برخی نظریه پردازان مانند خانم هیگینز هم گسترده را شامل منطقه‌ای در مقیاس چند صد کیلومتر مربع معرفی می‌کنند (Higgins, 2010: 61-76). در رویه قضایی، این واژه در سیاق وصف یک آسیب زیست‌محیطی تعریف نشده، اما در جریان بررسی شرایط لازم برای تحقق جنایت علیه بشریت، از این واژه تعاریفی ارائه شده است. یکی از شرایط لازم برای تحقق یک جنایت علیه بشریت این است که اقدامات مربوطه در قالب یک تعرض گسترده یا سازمان‌یافته رخ داده باشد. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در برخی قضایا از جمله قضیه کوناراج^۳ یا قضیه تادیچ^۴ به تعریف واژه «گسترده» پرداخته و آن را ناظر بر این دانسته که ماهیت یک حمله و شمار قربانیان آن دارای مقیاس وسیع باشد (ICTY, Kunarac et al., 2001: 428; ICTY, Kunarac et al., 2002: 94; ICTY, Prosecutor v. Dusko Tadic, 1997: 648).

1. Widespread.
2. Environment Damage.
3. Kunarac.
4. Tadic.

در قضیه پریسیچ^۱ نیز دیوان مزبور، گسترده بودن را ناظر به مقیاس حمله، بزرگی آن و شمار قربانیان دانسته است (ICTY, Prosecutor v. Momčilo Perišić, 2011: 86). دادگاه رواندا نیز در قضیه آکایسو^۲ واژه «گسترده» را به معنای فراگیر بودن، وسیع بودن و مکرر بودن جرایم ارتكابی دانسته است (ICTR, Prosecutor v. Akayeso, 1998: 580). در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز در ماده ۷ در تعریف جنایت علیه بشریت، یکی از شرایط لازم برای تحقق آن، وجود یک حمله و تعرض «گسترده» یا سازمان‌یافته اعلام شده است. در ذیل همین ماده در توضیح تعرض گسترده، آن را عبارت از رفتاری مشتمل بر ارتكاب چندین عمل از اعمال ممنوعه دانسته است. همچنین واژه گسترده از جانب دیوان بین‌المللی کیفری در اشاره به شمار زیاد قربانیان و مقیاس جغرافیایی وسیع کاربرد یافته است (ICC, The Prosecutor v. Al-Tuhamy Mohamed Khaled, 2013: 5). در مجموع همان طور که مشاهده می‌شود، مفهوم گسترده در سه معنا به کار رفته و ناظر به این سه معنا می‌باشد: ۱. «منطقه وسیع جغرافیایی»؛ ۲. «شمار و تعداد زیاد قربانیان»؛ ۳. «میزان اعمال ارتكاب‌یافته». بر همین مبنا، منظور از آسیب زیست‌محیطی گسترده را نیز می‌توان عبارت از هر گونه آسیبی دانست که یا در مقیاس وسیع جغرافیایی آثاری را از خود بر جای گذارده باشد یا اینکه آثار برجای‌مانده بسیار زیاد و دارای ابعاد مختلف باشد یا اینکه نوع آسیب‌های وارده متنوع و گوناگون باشد.

۲-۳-۲. بلندمدت^۳

این واژه که یکی دیگر از اوصاف آسیب زیست‌محیطی است، به معنای ماندگاری یک وضعیت در مدت زمانی طولانی است. کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش خود در سال ۱۹۹۱ به توضیح مفهوم «بلندمدت» پرداخته است. کمیسیون مذکور، واژه بلندمدت را به معنای ماهیت طولانی‌مدت اثرات وارده می‌داند و آن را از حالتی که صرفاً احتمال ورود خسارت برای مدت طولانی پس از ورود آسیب وجود دارد، متمایز می‌کند (ILC, 1991: 107; Dörmann, 2003: 175). در واقع به اعتقاد کمیسیون، وصف

1. Momcilo Pericic.

2. Akayeso.

3. Long-term.

بلندمدت ناظر به اثرات آسیبی است که ایجاد شده و برای مدت زمان طولانی باقی خواهد ماند. برخی حقوق‌دانان نیز بلندمدت را به معنای لااقل یک فصل از سال می‌دانند (Higgins, 2010: 61-76). البته در گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۹۳ اعلام شده دلایل قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد واژه بلندمدت، ناظر به چندین دهه است. لیکن نهایتاً این کمیته یادآور شده که باب تفسیر در مورد اینکه آسیب بلندمدت و گسترده و شدید چیست و آسیب قابل قبول چه آسیبی می‌باشد، باز است و تعیین دقیق دامنه و دوره زمانی برخی اعمالی که موجب آسیب زیست‌محیطی می‌شوند، اصلاً کار آسانی نیست (Dörmann, 2003: 175). از این رو به نظر می‌رسد معنای بلندمدت را باید با لحاظ اوضاع و احوال قضایای مطروحه و آسیب وارده به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد و نمی‌توان یک معیار دقیق و از قبل تعیین شده برای همه موارد ارائه کرد.

۳-۳-۲. شدید^۱

واژه «شدید» اصولاً برای توصیف چیزی که دارای آثار قابل توجه و مهم است، به کار برده می‌شود. تأکید بر وجود این وصف برای آسیب زیست‌محیطی نیز از آن جهت است که آسیب‌های جزئی و کم‌اهمیت را از گردونه کار خارج کند. وصف شدت ناظر بر مقدار و میزان آسیبی است که وارد می‌شود. برخی صاحب‌نظران معنای واژه شدید را ناظر بر اختلال یا آسیب جدی یا قابل توجه به حیات انسانی و منابع و دارایی‌های طبیعی می‌دانند (Higgins, 2010: 64). به نظر می‌رسد بتوان بر همین اساس آسیب زیست‌محیطی شدید را آن نوع از آسیب دانست که باعث اختلال در عملکردهای طبیعی محیط زیست شده و یا تغییرات جدی و قابل توجه در وضعیت عادی آب و هوا و خاک به وجود می‌آورد.

۴-۳-۲. عدم پیشگیری از ورود آسیب‌های زیست‌محیطی

عدم پیشگیری از ورود آسیب‌های زیست‌محیطی نیز می‌تواند به خودی خود عنصر

مادی برخی از مصادیق زیست‌بوم‌زدایی باشد. دلایلی که ضرورت جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی را توجیه می‌کنند، منطقاً جرم‌انگاری عدم پیشگیری از ورود آسیب‌های زیست‌محیطی را هم موجّه و ضروری می‌سازند؛ به نحوی که به منظور رفع خطرات مسلم ناشی از زیست‌بوم‌زدایی می‌توان کوتاهی در انجام اقدامات پیشگیرانه را که خواه به صورت عمدی و خواه بر اثر بی‌احتیاطی و بی‌توجهی باعث بروز آسیب شدید و گسترده و بلندمدت به محیط زیست می‌شود، جرم و قابل مجازات تلقی نمود. در اینجا آسیب زیست‌محیطی هنوز به شکل گسترده، شدید و بلندمدت وارد نشده و فرد متهم به دلیل ترک فعلی که واجد آثار خطرناک بر محیط زیست است، مورد محاکمه و مجازات قرار می‌گیرد. به موجب یکی از اصول مطرح در حقوق بین‌الملل محیط زیست که در برخی از آرای دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله در قضیه کارخانه‌های خمیر کاغذ یا در قضیه ناگی ماروش مورد تأکید قرار گرفته، دولت‌ها متعهد هستند پیش از اجرای پروژه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای خود، ارزیابی‌های مناسب را از پیامدهای زیست‌محیطی آن به عمل آورند؛ به نحوی که اگر اجرای آن طرح باعث آثار و آسیب‌های زیست‌محیطی می‌شود، از اقدام به آن خودداری نمایند (ICJ, Pulp-Mills on the River Uruguay: 2010; ICJ, Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project, 1997).

حال اگر شخصی از رعایت این اصل خودداری کند و ارزیابی‌های مربوطه را به انجام نرساند و یا علی‌رغم انجام ارزیابی، به دلایل یا انگیزه‌های مختلف از اجرای آن امتناع کند، این شخص باید به دلیل نادیده گرفتن خطر و ریسک زیست‌بوم‌زدایی، با واکنش تنبیهی روبه‌رو گردد. لازمه اجتناب از خطر و ریسک زیست‌بوم‌زدایی، جرم‌انگاری مقدمات زیست‌بوم‌زدایی است. به همین دلیل، عدم ارزیابی پیامدها یا عدم توجه به نتایج ارزیابی‌ها نیز باید به عنوان مقدمه زیست‌بوم‌زدایی به خاطر عدم پیشگیری از وقوع زیست‌بوم‌زدایی جرم تلقی شود. در این عنوان مجرمانه، عنصر روانی می‌تواند هم به صورت عمد و هم به صورت بی‌توجهی و سهل‌انگاری متجلی شود.

نتیجه‌گیری

جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی، تحقق حقوق بشر و به ویژه حق بهره‌مندی از محیط

زیست سالم را به شکل جدی تری مورد حمایت قرار می دهد. لازمه پاسخ به نگرانی های عصر حاضر که تخریب و آلوده سازی محیط زیست، یکی از پدیده های شایع در آن است، وجود یک سیاست جنایی حقوق بشرمحور است که بتواند با هدف دستیابی هر چه بیشتر به حقوق بشر، از آلوده سازی های زیست محیطی و ویران سازی های طبیعت که به طور مستقیم حقوق گوناگون انسان ها را تحت الشعاع قرار می دهند، جلوگیری کند و این امر نیازمند سیاست گذارانی در حوزه های تقنین و اداری و قضایی است که با مشارکت جامعه مدنی و مردم بتوانند راه رسیدن به این هدف را هموار سازند. همچنین ارزش ذاتی طبیعت که از قدیم در باورهای بسیاری از ملل و فرهنگ ها ریشه دارد، با چنین جرم انگاری پاس داشته می شود و حتی صلح و امنیت بین المللی نیز با این فرایند حمایت می گردد و از نقض صلح و امنیت بین المللی یا تهدید آن، پیشگیری به عمل می آید. امروزه می توان ادعا کرد که مقابله با زیست بوم زدایی، یکی از ارزش های بنیادین جهانی و یکی از تعهدات عام الشمول بین المللی است که جرم انگاری آن، سیاستی ضروری و اجتناب ناپذیر جهت حمایت مؤثرتر از طبیعت و بشریت است.

زیست بوم زدایی به خاطر آثار ماندگار و بلندمدت و جبران ناپذیری که بر روی طبیعت و محیط زندگی بر جای می گذارد، موضوع واکنش های متنوع بین المللی شده که از جمله آن ها، ممنوعیت بین المللی و سپس جرم انگاری آن در جریان یک مخاصمه مسلحانه بین المللی است. با این حال، تعقیب و محاکمه زیست بوم زدایی های جنگی و یا حتی تعقیب و محاکمه زیست بوم زدایی هایی که به عنوان وسیله ارتکاب جنایت علیه بشریت و یا نسل زدایی به کار می روند، بنا به دلایلی که در متن مقاله بیان شد، نمی تواند از حجم رو به رشد تخریب ها و آلوده سازی های محیط زیست در سطح جهان جلوگیری کند و لذا کاملاً ضروری است که این پدیده به صورت مستقل در سطح بین المللی جرم انگاری شود تا در پی آن بتوان حمایت بهتری از بشر و حقوق بشر و طبیعت و حقوق طبیعت به عمل آورد.

مهم ترین چالش پیش رو در فرایند جرم انگاری زیست بوم زدایی، مقاومت و مخالفت دولت ها و شرکت های بزرگ است که به خاطر منافع اقتصادی و تجاری و یا

سیاسی و امنیتی خود، از جرم‌انگاری زیست‌بوم‌زدایی تا حد امکان جلوگیری می‌کنند که راهکار مقابله با آن نیز فشار افکار عمومی در سطح بین‌المللی به ویژه از طریق فعالان حقوق بشر و حامیان محیط زیست است تا با تبیین و روشن‌گری درباره ضرورت چنین جرم‌انگاری، دولت‌ها و صاحبان قدرت را ناچار به عقب‌نشینی کنند.

یکی از راهکارهای بین‌المللی در این زمینه، اصلاح اساسنامه رم است؛ به نحوی که زیست‌بوم‌زدایی به عنوان پنجمین جنایت خطیر بین‌المللی، داخل در حوزه صلاحیت این دیوان گردد. هرچند جرایم بین‌المللی دیگری مثل تروریسم و هراس‌افکنی، در رقابت جدی برای حضور در لیست جرایم داخل در صلاحیت دیوان قرار دارند، اما تلاش و فشار سایر اعضای جامعه بین‌المللی در نشست بعدی اصلاح اساسنامه رم، می‌تواند امکان پذیرش و شناسایی چنین جرمی را به عنوان یک جرم مستقل در اساسنامه رم فراهم آورد.

علاوه بر آن، یکی دیگر از راهکارها، تدوین و تصویب معاهدات مستقل بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای در زمینه جرم‌انگاری این پدیده است که می‌تواند به شناسایی تدریجی چنین جرمی در سطح جهانی منجر شود.

کتاب‌شناسی

۱. آرش پور، علیرضا، *مسئولیت بین‌المللی نقض تعهدات زیست‌محیطی*، تهران، انتشارات جنگل - جاودانه، ۱۳۹۲ ش.
۲. اسپندی، مارینا، «پیرامون ارتکاب جرم از سوی دولت و مسئولیت کیفری او»، ترجمه سیدعلی هنجنی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره نهم، شماره ۱۳۶، ۱۳۸۵ ش.
۳. اسلامی، رضا، *آیا حقوق بشر؟*، چاپ دوم، تهران، مجد، ۱۳۹۷ ش.
۴. باقرزاده، محمدرضا، «بحثی درباره مسئولیت کیفری دولت»، *فصلنامه معرفت*، شماره ۳۶، آبان و مهر ۱۳۷۹ ش.
۵. برهانی، محسن، و محمدرضا رهبرپور، «چرایی جرم‌انگاری در قلمرو اخلاق زیستی»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل و یکم، شماره ۴، ۱۳۹۰ ش.
۶. پوربافرانی، حسن، «بایدها و نبایدهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، دوره بیستم، شماره ۷۵، ۱۳۹۲ ش.
۷. تاموشات، کریستیان، *حقوق بشر؛ از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی*، ترجمه و نگارش حسین شریفی طرازکوهی، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۸. چاه‌آبی، غلامرضا، و حمیدرضا گرجی‌فرد، «بررسی ابعاد جرم‌شناسی مواد تراریخته، از منظر جرم‌شناسی سبز»، *فصلنامه قضاوت*، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۹. حاجی‌وند، امین، علیرضا میرکمالی، فرشید صفری، و امید سروی سرمیدانی، «مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها»، *فصلنامه علوم محیطی*، دوره شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۰. حکیمی نصرآبادی، حمزه، و علی حسین نجفی ابرندآبادی، «مبانی جرم‌انگاری اقدامات علیه محیط زیست از منظر حقوق بشر»، *مجله گفت‌وگو حقوقی*، دوره پانزدهم، شماره ۳۴، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. دانش‌ناری، حمیدرضا، «رویکردی انتقادی به جرایم زیست‌محیطی فرامرزی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۱۲. دانش‌ناری، حمیدرضا، و علی مرادفر، «جرم‌شناسی جهان‌بوم؛ رهیافتی نوین در مطالعات جرم‌شناسی بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۴ ش.
۱۳. راعی، مسعود، *مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال افراد و گروه‌ها در پرتو رویه قضایی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۳ ش.
۱۴. رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین، «از ممنوعیت تا جرم‌انگاری خسارات وارده به محیط زیست در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۶، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. زیما، برونو و همکاران، *شرح منشور سازمان ملل متحد*، ترجمه هیبت‌الله نژندی‌منش و دیگران، تهران، خرسندی، ۱۳۹۴ ش.
۱۶. شبت، ویلیام ا.، *مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی*، ترجمه سیدباقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، تهران، جنگل، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. شریفی، محسن، محمدجعفر حبیب‌زاده، محمد عیسایی تفرشی، و محمد فرجی‌ها، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۶، ۱۳۹۲ ش.

۱۸. شمس ناتری، محمد ابراهیم، سیدوحید ابوالمعالی الحسینی، و زهراسادات علیزاده طباطبایی، «ویژگی‌های جرم‌انگاری در پرتو اسناد و موازین حقوق بشر»، *فصلنامه راهبرد*، دوره بیستم، شماره ۵۸، ۱۳۹۰ ش.
۱۹. شمعی، محمد، و سارا شهباز، *جرم‌انگاری حداکثری*، تهران، جنگل، ۱۳۹۴ ش.
۲۰. عبداللهی، محسن، «چالش‌های مسئولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل»، *دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۳، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. همو، «حمایت کیفری از محیط زیست؛ تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری محیط زیست»، *فصلنامه علوم محیطی*، دوره پنجم، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۶ ش.
۲۲. فرج‌زاده، منوچهر، و الهام قاسمی فر، *مبانی تغییر آب و هوا (اقلیم) و پیامدهای آن*، تهران، انتخاب، ۱۳۹۸ ش.
۲۳. فهیمی، عزیزالله، و علی مشهدی، «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم*، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. قلی‌پور، غلامرضا، و نسرین مهرا، «جنایت اکوساید: گذشته، حال و آینده»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال هشتم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۹ ش.
۲۵. گرجی فرد، حمیدرضا، *جرم‌شناسی سبز*، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۲۶. گسن، رمون، «آیا جرم وجود دارد؟»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره‌های ۲۹-۳۰، ۱۳۷۹ ش.
۲۷. لواسور، ژرژ، «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره‌های ۱۱-۱۲، ۱۳۷۱-۱۳۷۲ ش.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «مسئولیت کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵، ۱۳۷۳ ش.
۲۹. نجفی اسفاد، مرتضی، و عسکر جلالیان، «ضرورت تأسیس دادگاه بین‌الملل محیط زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۶۳، ۱۳۹۱ ش.
۳۰. نژندی‌منش، هیبت‌الله، *حقوق بین‌الملل کیفری در رویه قضایی*، تهران، خرسندی، ۱۳۹۴ ش.
۳۱. نصرافهانی، احمد، و لیلا رئیسی، «حقوق بهره‌مندی از هوای پاک در رویه مراجع بین‌المللی»، *دوفصلنامه حقوق تطبیقی دانشگاه مفید قم*، شماره ۱۰۸، ۱۳۹۶ ش.
۳۲. وایت، راب، *جرایم زیست‌محیطی فراملی؛ به سوی جرم‌شناسی جهان‌بوم*، ترجمه حمیدرضا دانش‌ناری، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
33. Allan Gray, Mark, "The International Crime of Ecocide", *California Western International Law Journal*, Vol. 26, No. 2, Art. 3. 1995.
34. Berat, Lynn, "Defending the Right to a Healthy Environment: Toward a Crime of Genocide in International Law", *Boston University International Law Journal*, Vol. 11, 1993.
35. Dörmann, Knut, *Elements of War Crimes under the Rome Statute of the International Criminal Court*, Sources and Commentary, Cambridge University Press, 2003.



36. Gauger, Anja & Mai Pouye Rabatel-Fernel & Louise Kulbicki & Damien Short & Polly Higgins, *Ecocide is the missing 5th Crime Against Peace*, London, Human Rights Consortium, 2012.
37. Higgins, Polly, *Eradicating Ecocide: Laws and Governance to Prevent the Destruction of Our Earth*, Shephard-Walwyn, London, 2010.
38. ICC, Prosecutor v. Omar Al-Bashir, Decision on the Prosecution's Application for a Warrant of Arrest against Omar Hassan Ahmad Al-Bashir, ICC-02/05-01/09-3, 4 March 2009.
39. ICC, Prosecutor v. Omar Al-Bashir, Judgment on the Appeal of the Prosecutor against the "Decision on the Prosecution's Application for a Warrant of Arrest against Omar Hassan Ahmad Al-Bashir", ICC-02/05-01/09-OA, 3 February 2010.
40. ICC, Prosecutor v. Omar Al-Bashir, Second Decision on the Prosecution's Application for a Warrant of Arrest, ICC-02/05-01/09 12 July 2010.
41. ICC, The Prosecutor v. Al-Tuhamy Mohamed Khaled, Warrant of Arrest for Al-Tuhamy Mohamed Khaled ICC-01/11-01/13, 18 April 2013.
42. ICC, The Prosecutor v. Germain Katanga, Order for Reparations Pursuant to Article 75 of the Statute, No. ICC-01/04-01/07, 24 March 2017.
43. ICJ, Case Concerning the Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), Judgment, 25 September 1997.
44. ICJ, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996.
45. ICJ, Pulp-Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, 2010.
46. ICTR, Prosecutor v. Akayeso, Judgment, 2 September 1998.
47. ICTY, Kunarac et al., IT-96-23 & 23/1, Appeal Judgment, 2002.
48. ICTY, Kunarac et al., IT-96-23 & 23/1, Trial Judgment, 2001.
49. ICTY, Prosecutor v. Dusko Tadic "DULE", IT-94-1-T, 1997.
50. ICTY, Prosecutor v. Momčilo Perišić, IT-04-81-T, 2011.
51. ILC, Yearbook of the International Law Commission, Report of the Commission to the General Assembly on the Work of Its Forty-Third Session A/CN.4/SR.2241, A/CN.4/SER.A/1991/Add.I.
52. Lay, Bronwyn & Laurent Neyret & Damien Short & Michael Urs Baumgartner & Antonio A. Oposa, Jr., "Timely and Necessary: Ecocide Law as Urgent and Emerging", *The Journal Jurisprudence* 28, December 2015.
53. Pérez-León-Acevedo, Juan Pablo, "The Close Relationship Between Serious Human Rights Violations and Crimes Against Humanity: International Criminalization of Serious Abuses", *Anuario Mexicano de Derecho Internacional*, Vol. 17, BJV, Instituto de

Investigaciones Jurídicas-UNAM, 2017.

54. Sheth, K. N., *Environmental Rights As Human Rights - Focus of International Law*, January 2016.
55. Smith, Tara, "Creating a Framework for the Prosecution of Environmental Crimes in International Criminal Law", *The Ashgate Research Companion to International Criminal Law*, Published online on: 23 May 2013.
56. Tomuschat, Christian, Document on crimes against the environment, ILC(XLVIII)/DC/CRD.3, 27 March 1996.
57. UN Documents, Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques, 1976, Available at: <<http://www.un-documents.net/enmod.htm>>.
58. Wijdekop, Femke, "Against Ecocide: Legal Protection for Earth", Great Transition Initiative, August 2016.
59. Zierler, David, *The Invention of Ecocide: Agent Orange, Vietnam and the scientists who changed the way we think about the environment*, London, The University of Georgia Press, 2011.

